

جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟

سیدمنصور میرسعیدی* - محمود زمانی**

(تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۳)

چکیده

وجود نظام‌های مختلف اقتصادی سبب شده تا اعمال محل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به فراخور زمان‌ها و مکان‌های مختلف، واکنش اجتماعی متفاوتی را در پی داشته باشد. این چندگانگی در عرصه اقتصاد و واکنش‌های اجتماع، ارائه تعریف از جرم اقتصادی را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر ارائه تعریف، حصر مصادیق و به تبع آن محدودیت واکنش و دشواری در حصول اهداف پیشگیرانه قانونگذار را موجب می‌شود. لذا به جای تعریف، تبیین معیارها و ضوابط می‌تواند راهگشا باشد. از این رو دو ضابطه جرم‌شناختی و اقتصادی مورد بررسی واقع شده که بنا بر ضابطه جرم‌شناختی، انگیزه مرتکب، آثار رفتار وی و محیط ارتكابی جرم به شناخت جرم اقتصادی کمک می‌کند و مطابق با ضابطه اقتصادی اختلال در سیاست‌های کلان اقتصادی دولت (پولی، مالی و درآمدی) و فعالیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نظام تولید، توزیع و مصرف، چهره دیگری از جرم اقتصادی را می‌شناساند. به این ترتیب در پرتو ضابطه اقتصادی و با ملاحظه ضابطه جرم‌شناختی، می‌توان در شناسایی جرم اقتصادی گامی به جلو برداشت.

کلید واژگان: جرم اقتصادی، تعریف، ضابطه، فعالیت اقتصادی، سیاست اقتصادی، جرم‌شناختی.

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی
** کارشناس ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)



مقدمه

در این مقاله ابعاد موضوع شامل تعریف، آثار و جایگاه جرم اقتصادی در بیان مفاهیم مشابه و نزدیک به اختصار بیان می‌شود. ساختار این نوشتار به نحوی است که ابتدا تعریف و مشکلات آن و سپس رجحان ضابطه بر تعریف بیان می‌شود. تبیین ضابطه‌ها موضوع بند ۳ بوده و در پایان به نتیجه‌گیری خواهد آمد.

تشابه جرم اقتصادی با مفاهیم مشابه موجب شد تا نتوان تعریف جامع و مانعی برای آن ارائه نمود. ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی و ... به گونه‌ای است که در برخی موارد هم‌پوشانی داشته باشند. در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می‌توان گفت که فساد مالی، با سوءاستفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخص اعم از اینکه در بخش خصوصی باشد یا دولتی صورت می‌گیرد که در آن ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) موضوعیت دارد ولی مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد. لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که صرفاً اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می‌کند بدون اینکه مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی باشد، نمی‌تواند مصداق جرم اقتصادی باشد.

فساد اقتصادی نیز به خودی خود جرم محسوب نمی‌شود بلکه می‌تواند معیاری برای شناسایی جرم اقتصادی باشد. به عبارت بهتر، فساد اقتصادی رفتاری است که بنیان اقتصادی کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد در حالی که جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل به سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. به عنوان مثال عدم رعایت ضوابط در توزیع خدمات و امکانات دولتی و سوء تخصیص و اجحاف کارمندان و مسئولین دولتی نسبت به بخش خصوصی، فساد اقتصادی محسوب می‌شود. برخی جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می‌دانند ولی مفهوم جرم اقتصادی با جرایم مالی نیز از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است. در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوق خصوصی و عمومی است مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی. ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی، حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی یعنی ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است مثل پول شویی و اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور.

رابطه جرایم اقتصادی با جرایم تجاری، عموم و خصوص من وجه است و در پاره‌ای موارد این دو هم‌پوشانی دارند. جرایم تجاری، آن دسته از رفتارهای قابل مجازات را شامل می‌شود که در روابط میان تجار یا مرتبط با فعالیت تجاری صورت می‌گیرد. اگر جرایم تجاری در سطح کلان اقتصادی رخ دهد و اقتصاد ملی را تهدید نماید می‌تواند جرم اقتصادی قلمداد شود. بنابراین می‌توان گفت جرایم تجاری بخشی از جرایم اقتصادی است و نه همه آن. جرایم مربوط به بورس می‌تواند مصداق این گونه جرایم باشد که اگر در سطح وسیعی بر بازار بورس تأثیر گذاشته و معاملات بورس را مختل نماید، تحت عنوان جرم اقتصادی قابل شناسایی است.

۱. ویژگی‌ها و آثار جرم اقتصادی

جرم اقتصادی دارای مفهومی گسترده‌تر از جرایم کسب و کار^۱ است. همین گستردگی موجب شده تا جرایم اقتصادی ویژگی‌هایی به این شرح داشته باشد: ۱- در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به‌طور عمده عاملان به دنبال سود است ۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان‌یافته رفتار می‌کند ۳- باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد ۴- مرتکبین به‌طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند (Jose Rico, 2012, 21).

جرم اقتصادی از نظر بزه‌دیده نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. اگر در جرایم سنتی و عمومی معمولاً بزه‌دیده مستقیم وجود دارد، در جرایم اقتصادی علاوه بر بزه‌دیدگان مستقیم، آثار و پیامدهای این گونه جرایم گریبان‌گیر بزه‌دیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود. بنابراین باید گفت جرایم اقتصادی موجب اختلال و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می‌کنند. همچنین در کشورهای در حال توسعه بر میزان بودجه دولت تأثیر گذاشته در نتیجه منجر به کاهش کنترل دولت بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌شود. بنابراین مجرمان اقتصادی ثروت‌های خود را در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که هم سود بیشتری عایدشان شود و هم امکان فرار قانونی وجود داشته باشد (معتدی و مستوفی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۷).

قربانیان جرایم اقتصادی نه تنها کسانی هستند که به طور مستقیم از این گونه جرایم آسیب می بینند مانند اشخاص حقوقی اقتصادی یا دولت، بلکه مردم به عنوان مشتریان در موارد دست کاری در قیمت، کیفیت پایین محصولات یا خدمات و حتی محیط زیست، به طور غیرمستقیم قربانی جرایم اقتصادی هستند و فرار مالیاتی نیز منجر به کسری درآمد دولت شده و با تضعیف دولت در ارائه خدمات، اثر غیرمستقیم بر مردم می گذارد (Scheinost, 2003, 2). در سطح کلان نیز به طور کلی جرایم اقتصادی و مالی تأثیر منفی قابل توجهی بر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور می گذارد و موجب افزایش هزینه های کسب و کار، جلوگیری از سرمایه گذاری خارجی و داخلی، کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت، افزایش فقر و بیکاری، تجمع قدرت اقتصادی و مالی در دست مجرمان و به دنبال آن، تضعیف اقتصاد ملی و سیستم های دموکراسی می شود. (Theophilus, 2009, 15-16).

۲. تعریف جرم اقتصادی و مشکلات آن

تعاریف صورت گرفته هر کدام وصف خاصی را مد نظر قرار داده اند که به بیان آن ها می پردازیم.

۲-۱. تعریف مبتنی بر عامل اقتصادی

از جرم اقتصادی تعریف قانونی نشده و در حقوق داخلی پاره ای از کشورها، بعضاً تعریف و بعضاً مصادیق بیان شده است. به عنوان مثال، قانون جرایم اقتصادی اردن در ماده ۳ جرایم اقتصادی را این گونه تعریف می کند: «جرایم اقتصادی جرایمی هستند که احکام این قانون و قوانین مشابه نسبت به آن ها اجرا می شود و به اموال عمومی تعلق دارند و موجب ضررزدن به بنیان اقتصادی کشور یا اعتماد عمومی نسبت به اقتصاد ملی یا پول ملی یا سهام یا اسناد و اوراق مالی رایج در کشور می شوند». این بیش از آنچه تعریف باشد، ضابطه بیان شده است.

در تعریفی دیگر جرایم اقتصادی عبارتند از: «جرایمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت های اقتصادی آمده است اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه ای که فعالیت های اقتصادی را تنظیم می کند (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۲). زلاتاریک^۱ جرم اقتصادی را رفتار اشخاص حقوقی یا حقیقی می داند که برای سیاست

اجتماعی یا اقتصادی دولت خطری به وجود آورد یا ضرری وارد نماید (احمد انور، ۲۰۰۰: ۴۶). به نظر دو تن از حقوق دانان، ژان لوک بچر^۱ و نیکلا کلوز،^۲ به جرم‌هایی که با هدف دست‌یابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند جرم اقتصادی می‌گویند ولی مانع نمی‌شود که با ارتکاب این نوع جرایم، امتیازهای غیرمالی نیز تحصیل شود (Bacher & Queloz, 2007, 134). رایج‌ترین تعریفی که از جرم اقتصادی صورت گرفته عبارت است از «رفتار مجرمانه‌ای که اشخاص حقیقی و حقوقی به انگیزه تحصیل مزایای اقتصادی مرتکب می‌شوند» (Sjogren, 2004). اما این تعریف با وجود رایج بودن،^۳ ملاحظاتی دارد. یکی اینکه عبارت اقتصادی در معنای دقیق خود به کار نرفته است. دیگر اینکه با قبول چنین تعریفی از جرم اقتصادی، جرایم زیادی مانند کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، ارتشا و ... در این محدوده قرار خواهد گرفت در حالی که این‌گونه جرایم در چارچوب شناخته‌شده دیگری قرار دارد. به علاوه، جرایمی که اصولاً خارج از حوزه جرایم مالی است مانند آدم‌کشی و قتل عمد با وجود انگیزه مالی ممکن است در این حوزه قرار بگیرد.

به نظر ادوین ساترلند^۴ مجرمان اقتصادی - که در نظر وی بیشتر مجرمان یقه‌سفید نامیده شده‌اند - نخبگان اقتصادی هستند که واجد احترام و جایگاه اجتماعی بالایی بوده و در اجرای یک فعالیت حرفه‌ای دست به فعالیت غیرقانونی می‌زنند. ایرادی که به تعریف ساترلند وارد شده این است که به انگیزه کسب مال یا کسب امتیاز غیرقانونی برای مرتکب یا سازمان متبوع وی در انجام فعالیت مجرمانه تصریح نشده است (گسن، ۱۳۸۹: ۱۲۰). به علاوه جرم‌شناسان در مطالعات خود بر مجرم و مرتکب جرم تأکید دارند و به شناسایی جرم چندان توجهی ندارند. ایراد دیگر تعریف ساترلند، تأکید بر ارتکاب عمل غیرقانونی در قالب «فعالیت حرفه‌ای» است در حالی که جرایم اقتصادی ممکن است خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای نیز ارتکاب یابد. در معرفی جرایم یقه‌سفیدی به عامل یا مرتکب جرم توجه می‌شود ولی جرایم اقتصادی را به اعتبار حوزه اقتصاد بررسی می‌کنند. لذا به

1. Jean-luc Bacher

2. Nicolas Queloz

۳. ن.ک: نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی ۸۰-۸۱ ص ۱۹ و تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهکاری اقتصادی) ۸۴-۸۵ ص ۶۶، گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه: شهرام ابراهیمی، میزان ۱۳۸۹، و برای دیدن نظر مخالف، ن.ک: نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، نشر جاودانه، ۱۳۸۹، ص ۴۴-۵۵.

4. Sutherland, Edwin H

نظر می‌رسد جرایم یقه‌سفیدان با جرایم اقتصادی هم‌پوشانی کامل نداشته باشد. از دیدگاه بچر حقوق‌دان سویسی، جرم اقتصادی « مجموعه‌ای از جرایم علیه اموال است که بدون خشونت ولی همراه با تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت، قدرت یا قدرت نفوذ و تأثیرگذاری یا با انگیزه کسب منفعت ارتکاب می‌یابد». با این وصف جرایم اقتصادی فراتر از جرایم یقه‌سفیدان است زیرا جرم اقتصادی جرایم ارتكابی خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای مبتنی بر تزویر را هم در بر می‌گیرد (پیشین: ۱۲۰-۱۲۱).

دیوان عالی کشور فرانسه در یک رأی جرم اقتصادی را جرمی دانسته که مربوط به چرخه تولید، توزیع و مصرف است و چون گردش این سه فرایند اقتصادی به وسیله پول صورت می‌گیرد و عنصر اصلی مبادله در اقتصاد هم پول است لذا در نهایت منجر به اخلاف در نظام اقتصادی می‌شود (نجفی‌ابرنندآبادی، همان: ۶).

ناهمسانی تعاریف صورت گرفته از جرم اقتصادی به متفاوت بودن نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزه‌های دینی و شرایط خاص زمانی و موقعیت‌های جغرافیایی کشورها نیز برمی‌گردد. در پاره‌ای از کشورها که نظام اقتصادی متمرکز حاکم است و رقابت آزاد وجود ندارد، جرم اقتصادی دامنه وسیعی دارد و برعکس در نظام‌های اقتصادی غیرمتمرکز که رقابت، آزاد شناخته شده است دامنه این گونه جرایم بسیار محدود است و به همین خاطر عقیده برخی بر این است که در نظام‌های غیرمتمرکز، حقوق جزای اقتصادی وجود ندارد چرا که سیاست‌های اقتصادی در دست حاکمیت نیست بلکه خود بازار تعدیل‌کننده و تنظیم‌کننده مکانیزم بازار است و از طرف دیگر چون سیاست‌های کیفری از طرف دولت تعیین و اعمال می‌شود به علت فقدان رابطه میان بازار و دولت، شناخت جرم اقتصادی متفی است. دامنه این گونه جرایم در نظام اقتصادی لیبرال محدود است و حقوق کیفری به لحاظ دغدغه حمایت از سرمایه و جلوگیری از رعب و وحشت و فرار سرمایه‌گذاران، جرایم اقتصادی ناچیزی را از نظر کمی پیش‌بینی کرده است (نجفی‌ابرنندآبادی، ۸۷-۱۳۸۶: ۱۳).

از طرفی اوضاع و احوال یا شرایط خاص زمانی حاکم بر کشورها مانند جنگ یا بحران‌های مالی می‌تواند سیاست کیفری را تحت تأثیر قرار دهد و عملی که در شرایط عادی جرم تلقی نمی‌شود در این شرایط جرم اقتصادی محسوب شود. بنابراین وجود تفاوت‌ها در شرایط اقتصادی و ساختار نظام‌های مختلف اقتصادی مانع اجماع در ارائه تعریف دقیق از جرم اقتصادی می‌شود.

ماهیت جرایم اقتصادی به گونه‌ای است که همیشه در محدوده مرزهای داخلی محصور نیست. توسعه‌های اخیر در علم و فناوری به‌ویژه در زمینه رایانه و فناوری اطلاعات، ابعاد تازه‌ای به این جرایم داده است (Haroon Muhammad, 2007,6). امروزه با توسعه ارتباطات و مبادلات اقتصادی و جهانی شدن بازارهای مالی، دیگر نمی‌توان با توجه به شرایط داخلی جرم اقتصادی را تعریف نمود بلکه پیوندهای اقتصادی بازارهای مالی میان کشورها و بازارهای منطقه‌ای و بحران‌های اقتصادی که به‌صورت فراگیر، کل منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب شده تا سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای رفتارهای مخلف نظم اقتصادی را تحت عنوان جرایم اقتصادی و فساد مورد بررسی قرار داده و مقرراتی در جهت مبارزه با این گونه جرایم وضع نمایند. از اقدامات سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت سیاست‌های مقابله با جرایم اقتصادی، یکی کنوانسیون پالرمو^۱ است که در سال ۲۰۰۰ میلادی تحت عنوان «کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی» با هدف مبارزه با جرایم سازمان‌یافته است که بخشی از این جرایم دارای ماهیت اقتصادی است، در شهر پالرمو در ایتالیا به تصویب ۴۰ دولت رسیده و در سال ۲۰۰۳ نیز لازم‌الاجرا شده است و دیگری کنوانسیون مریدا^۲ است که در سال ۲۰۰۳ میلادی با موضوع و هدف مبارزه با مفاسد اداری و مالی در شهر مریدا در مکزیک به تصویب رسید که برخلاف کنوانسیون پالرمو، به‌طور مستقیم به برخی از مصادیق جرایم اقتصادی در مواد ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ... پرداخته است. به‌علاوه کنوانسیون‌های منطقه‌ای نیز در زمینه جرایم اقتصادی به تصویب رسیده است که از این میان می‌توان به کنوانسیون OECD (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی)، کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا مصوب ۱۹۹۹ با موضوع مبارزه با فساد مالی^۳، کنوانسیون مبارزه با فساد مالی کارمندان جوامع اروپایی مصوب ۱۹۹۷^۴، کنوانسیون جرایم سایبر و کنوانسیون اتحادیه آفریقایی برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳^۵ اشاره کرد. فقدان اجماع در ارائه تعریف واحد برای

1. United Nations Convention against Transnational Organized Crime, (Palermo Convention, Italy), November, 15, 2000.
2. United Nations Convention against Corruption. Merida (Mexico) from 9 to 11 December 2003.
3. Council of Europe Criminal Law Convention on Corruption.
4. Convention on the Fight against Corruption involving officials of the European Communities or officials of Member States of the European Union.
5. African Union Convention on Preventing and Combating Corruption.

جرایم اقتصادی و ظهور و بروز جرایم پیچیده بر مشکلات شناخت این گونه جرایم افزوده است. کمیته وزیران شورای اروپا نیز در سال ۱۹۸۱ به جای ارائه تعریف از جرم اقتصادی، مصادیقی از این گونه جرایم را در دسته‌هایی قرار داده است. جرایم علیه محیط زیست، جرایم رایانه‌ای، جرایم مالیاتی و گمرکی، جرایم علیه حقوق مصرف کننده و... جزو دسته‌بندی‌های صورت گرفته است (نجفی ابرندآبادی، همان: ۲۱).

معمولاً وقتی از جرم اقتصادی سخن گفته می‌شود بلافاصله نظرها به جرایم فساد مالی و سازمان یافته معطوف می‌شود در حالی که همه جرایم فساد مالی، جرم اقتصادی نیستند. اگرچه در اکثر موارد نتایج و عواقب جرایم فساد مالی و جرایم اقتصادی یکسانند. به علاوه ممکن است یک عمل مجرمانه، هم فساد مالی باشد و هم جرم اقتصادی محسوب شود (Thiankolu, 2006, 7).

به علاوه همان مشکل تعریف در شناسایی جرایم فساد مالی نیز وجود دارد. فساد ذاتاً یک جرم اقتصادی محسوب نمی‌شود چرا که همیشه با انگیزه مالی و اقتصادی همراه نیست هر چند تبعاتی بر اقتصاد و سرمایه‌گذاری و امنیت اقتصادی داشته باشد. با وجود این، فساد مالی و جرم اقتصادی هم‌پوشانی دارند و بر همین اساس برخی جرایم اقتصادی را نتیجه رفتارهای فسادانگیز دانسته‌اند (Lopez, M. 2001, p193).

جرایم اقتصادی به‌طور کلی به دو دسته تقسیم شده‌اند: اعمال غیرقانونی کسانی که به منظور تحصیل پول برای خودشان مرتکب می‌شوند و اعمال غیرقانونی کسانی که اساساً برای دستیابی به اهداف شرکت خود یا سازمان‌های دیگر مرتکب می‌شوند.

۲-۲. تعریف مبتنی بر نوع فعالیت

برخی دیگر، جرایم اقتصادی را به دو دسته عمده و تحت عناوین خاص تقسیم نموده‌اند؛ دسته اول جرایمی است که توسط تجار و بازرگانان ارتکاب می‌یابد و برای کسب منافع و عایدات مادی صورت می‌گیرد مانند خودداری از پرداخت مالیات که به آن‌ها جرایم یقه‌سفیدی گفته می‌شود. دسته دوم جرایمی است که منجر به تحصیل نامشروع کالا و خدمات یا تحصیل کالا و خدمات به روش نامشروع می‌شود که به جرایم سازمان‌یافته مشهور است. در هر دو نوع جرم، عمل غیرفیزیکی برای به دست آوردن سود مالی یا منفعت شغلی انجام می‌گیرد. (Garner, 1999, p399).

۳-۳. تعریف مبتنی بر انگیزه مرتکب

برخی تعاریف از جرم اقتصادی معطوف به انگیزه مرتکبین این گونه جرایم ارائه شده است: بر این اساس، جرم اقتصادی جرمی است که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، دادوستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه‌ستانی، کمیسیون‌گیری و اعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگران صورت می‌گیرد (عشماوی ۱۳۸۶: ۱۷). و برخی دیگر از تعاریف، کسب امتیاز مادی را مدنظر قرار داده‌اند. بر این اساس مجرمان کلان اقتصادی افرادی هستند که برای دستیابی به اهداف نامشروع خود از رانت‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از برقراری روابط با صاحب‌منصبان و افراد بانفوذ در دستگاه‌های متولی منابع اقتصادی بهره‌گیری نموده و موجب ایجاد انحراف در منابع اقتصادی می‌شوند (زمانی، ۱۳۸۸: ۴۶).

از مطالب فوق به وضوح برمی‌آید که تعریف واحدی از جرم اقتصادی توسط قانونگذاران و حقوق‌دانان صورت نگرفته و در حقوق داخلی هم اجماعی راجع به تعریف جرم اقتصادی وجود ندارد (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۴: ۵۲) و به‌طور قطع و یقین هم نمی‌توان تعریفی ارائه نمود که جامع و مانع باشد. شاید بهتر این باشد تا به جای ارائه تعریف از جرم اقتصادی، معیارها و ضوابط این گونه جرایم بررسی شود. این دیدگاه با توجه به رشد روزافزون فناوری و پیدایش جرایم جدید در عرصه اقتصادی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. مسلماً با ارائه تعریف از هر چیزی، مفاهیم و مصادیق آن محصور شده و پدیده‌های مستحدث از شمول آن بیرون خواهند ماند لذا به‌طور کلی دو ضابطه برای شناسایی جرایم اقتصادی، یکی جرم‌شناختی و دیگری اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در کنار این دو معیار، به ضابطه مبتنی بر نظریات اقتصادی نیز اشاره خواهد شد. ابتدا معیار جرم‌شناختی را و سپس ضابطه مبتنی بر نظریات اقتصادی بررسی می‌شود و در قسمت سوم، معیار اقتصادی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳. ضابطه‌های مورد بررسی

۳-۱. ضابطه‌های جرم‌شناختی

جرایم اقتصادی در کنار واژگانی چون فساد و جرایم سازمان‌یافته از علوم سیاسی و اقتصادی به جرم‌شناسی راه یافته‌اند و چون جرم‌شناسی اساساً در پی بررسی علل وقوع جرم

و نحوه شناسایی مجرمان و پیشگیری از این قبیل جرایم است، چندان در بند شناسایی دقیق جرایم اقتصادی و تفکیک صحیح این اصطلاح از عناوین مشابه نیست در حالی که در حقوق کیفری، اصل قانونی بودن اقتضا دارد تا واژگان کلیدی به طور دقیق از هم تفکیک شوند (نورزاد، ۱۳۸۹: ۲۲).

از دیدگاه جرم‌شناسی در تبیین جرم اقتصادی نظریاتی ارائه شده است. قبل از بیان نظریه‌ها به نظریه عمومی تزویر که خاص حوزه جرایم اقتصادی است پرداخته می‌شود. تفکرات جرم‌شناختی در مورد جرایم تجاری (کسب و کار) و به طور کلی جرایم اقتصادی بر این امر تأکید دارند که این گونه جرایم دربردارنده نوعی تزویر است. جرایم مبتنی بر تزویر در بستر فعالیت‌های اقتصادی و با هدف خارج کردن قانونی پول از جریان مالی و اقتصادی یا طفره رفتن از تعهدات قانونی ارتکاب می‌یابد. جرایم تزویرآمیز جرایمی است که با توسل به کذب، اختفا و پنهان‌سازی و توطئه ارتکاب می‌یابد یعنی اعمالی که موضوع آن برهم‌زدن موازنه توانایی و قابلیت‌های گروه‌های مختلف در یک رقابت تجاری باشد مانند جرم سوءاستفاده از اطلاعات نهانی در بازار بورس اوراق بهادار یا جایگزین کردن یک نتیجه از پیش تعیین شده به نفع یک شخص یا گروهی از افراد مانند تقلب انتخاباتی (گسن، همان: ۵۰).

تزویر در ارتکاب جرایم حوزه کسب و کار، امور بازرگانی و اقتصادی به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- عدم صداقت در فعالیت‌های تجاری مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، تبلیغات خلاف واقع، تقلب در فروش، دستکاری در قیمت بازار، قیمت‌گذاری تهاجمی، تبانی، سوءاستفاده از موقعیت برتر، امتناع از فروش و ... ۲- نقض مقررات رقابت آزاد مانند؛ اخلاف در آزادی حراج و مزایده، ایجاد قیمت‌های کاذب و رقابت مکارانه ۳- نقض قوانین و مقررات اقتصادی و اجتماعی و مالیاتی مانند کم‌فروشی، گران‌فروشی، احتکار، فعالیت‌های زیرزمینی، تقلب مالیاتی، تقلب گمرکی و فروش بدون فاکتور (پیشین: ۱۰).

بسترهای ارتکاب جرایم تزویرآمیز، ساختارها و ابزارهای فعالیت‌های اقتصادی مشروع مانند بخش‌های مالی، حوزه رقابت، بودجه، مصرف، مبادلات تجاری و... است. این بسترها شرایط را برای سوءاستفاده مرتکبان از موقعیت خود فراهم می‌نماید.

ادل هرز^۱ در یک تقسیم‌بندی جرم‌شناختی، جرایم مبتنی بر تزویر و تقلب را به سه دسته تقسیم می‌نماید: ۱- جرایم ارتكابی اشخاص حقیقی مانند تقلب مالیاتی و تقلب نسبت

به بیمه ۲- جرایم ارتكابی کارکنان شرکت تجاری علیه شرکت مانند، خیانت در امانت، رشا و ارتشا ۳- جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) که اینها نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ دسته اول اقداماتی است که به صورت اتفاقی برخلاف قانون صورت می‌گیرد و دسته دوم اقدامات غیرقانونی مانند تأسیس شرکت صوری برای پول‌شویی یا صدور فاکتورهای جعلی برای اخذ وام است که به جای فعالیت اصلی شرکت انجام می‌شود (Edelherz, 1970)؛ با این اوصاف می‌توان گفت که اوضاع و احوال اقتصادی، نوع نظام اقتصادی و فرهنگی، بیکاری و خلأ قانونی و عدم شفافیت قوانین و مقررات اقتصادی به عنوان عواملی وضعی و فرصت‌ساز در ارتكاب این گونه جرایم نقش دارد.

الف. نظریه آنومی

مرتون،^۱ آنومی،^۲ یا بی‌هنجاری را قایل‌شدن اهمیت بیش از حد برای دستیابی به موفقیت می‌داند حتی اگر نیل به آن مستلزم نقض قوانین و مقررات باشد. بر پایه مقاله مشهوری که وی به همراه کلو وارد^۳ و اوهلین^۴ تحت عنوان «ساختار اجتماعی، بی‌هنجاری و کجروی»^۵ در ایالات متحده آمریکا بررسی کردند دریافتند که عموماً افراد جامعه آمریکایی به هنگام جمع‌آوری ثروت و تحصیل پول، خود را ملزم به رعایت قواعد نمی‌بینند و برای قوانین موجود اهمیتی قایل نیستند. تنها موضوع حایز اهمیت برای آنان، تلاش و رقابت برای کسب پول و ثروت است و بر پایه همین هدف، تمامی ابزارهای رسیدن به آن موجه تلقی می‌شوند. بنابراین مهم‌ترین چیز، کارآمدی روش‌های استفاده است و رعایت قوانین و مقررات در درجه دوم قرار دارد (گسن، ۱۳۸۵: ۸۹). این وضعیت ناشی از فشاری است که جامعه بر افراد وارد می‌کند و به دلیل قرارگرفتن افراد جامعه در یک موقعیت نابرابر استفاده از طرق مشروع، افراد ناچار از راه‌های نامشروع وارد می‌شوند. راهکار ارائه‌شده توسط مرتون برای جلوگیری از جرایم اقتصادی این است که زمینه فعالیت اقتصادی مشروع برای اقشار جامعه فراهم شود تا افراد نیز متوسل به راه‌های نامشروع نشوند چرا که هیچ فرد شرافتمندی حاضر به قبول برچسب مجرمانه نمی‌شود.

1. Merton
2. Anomie
3. Cloward
4. Ohlin
5. Structure Sociale , anomie et deviance.



ایرادی که به نظریه آنومی وارد شده این است که این نظریه در مورد همه جوامع صدق نمی‌کند و خاص جوامع صنعتی و سرمایه‌داری است که نماد موفقیت آن‌ها مادیات است. ولی در جوامع بسته که اقتصاد دولتی حاکم است برعکس، با نوعی فساد دولتی مواجه هستیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۷۳). به علاوه در پاره‌ای جرایم که به صورت تشکیلاتی و منسجم و از طریق شبکه‌های بین‌المللی ارتکاب می‌یابد این نظریه کارساز نیست. به عبارت دیگر در بستر فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی، افراد به صورت سازمان یافته و با همکاری مشترک در پی مقاصد مادی خود هستند در حالی که شرایط حاکم بر جامعه متنوع و متفاوت آنان یکسان نیست لذا نمی‌توان گفت در یک جامعه نابرابر تحت فشار قرار گرفته‌اند.

ب. نظریه محیط و شرایط اقتصادی

معیارهای جامعه‌شناختی و محیطی، بر این اساس استوار است که جرایم اقتصادی تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و نظام اقتصادی حاکم ارتکاب می‌یابد. نظام‌های دارای اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری و شرایط رقابت برای کسب سود و منفعت بیشتر، زمینه را برای برخی جرایم در این حوزه فراهم می‌کند. عواملی مانند بده‌بستان‌های سیاسی در جریان دستیابی مقامات به مناصب کلان در جامعه و چشم‌وهم‌چشمی‌ها میان فعالان اقتصادی، خلأهای قانونی در برخورد با این گونه جرایم را ایجاد می‌کند که در محاکم نیز به وضوح دیده می‌شود. وابستگی بسیاری از احزاب سیاسی به افراد سودجو و منفعت‌طلب که گاه رفتارهایی مانند فساد مالی و ارتشا و تقلب مالیاتی و غیره را در پی دارد باعث می‌شود تا ملاحظه‌کاری شود و در مبارزه با این گونه جرایم جدیت به خرج ندهند. به علاوه جرایم اقتصادی در خفا صورت می‌گیرند و کشف نمی‌شود و در نتیجه به مرور زمان مغفول مانده و در نظر مرتکبین جنبه مشروعیت پیدا می‌کند. در مقابل، نظام‌های متکی بر اقتصاد دولتی نیز انواع دیگری از جرایم اقتصادی مانند فساد مالی را در پی دارد، جرایمی مانند اختلاس، ارتشا، حیف و میل اموال عمومی و غیره در این گونه نظام‌های اقتصادی چهره‌ای پررنگ‌تر دارد. به عقیده ساترلند محیط تجاری و کسب و کار سبب پیدایش خرده‌فرهنگ حرفه‌ای خاصی می‌شود که اشخاص تصور می‌کنند برای ایجاد موقعیت برتر و تثبیت آن در بازار و

تجارت، چاره‌ای جز انجام پاره‌ای اقدامات نامشروع و غیرقانونی مانند دستکاری در حساب‌ها وجود ندارد.

کسانی مانند گایس^۱ معتقدند در کنار محیط اجتماعی به محیط قوانین و مقررات نیز باید توجه نمود و فعالان اقتصادی باید در تعاملات تجاری داخلی و خارجی خود قوانین و مقررات را رعایت کنند. به عقیده وی، جرایم اقتصادی از جهات گوناگون با جرایم عادی فرق دارد زیرا احراز رابطه علیت میان جرم اقتصادی و خسارت در بیشتر موارد دشوار است و اثر جرم نیز فوری نیست و دایره بزه‌دیدگان نیز افراد معین و محدودی نیستند. همه این عوامل باعث می‌شود تا مجرمان اقتصادی بر ارتکاب جرایم خود اصرار بورزند و حاشیه امنیت برای خود احساس نمایند (زراعت، ۱۳۹۱: ۶۲).

از دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه محیط اقتصادی می‌توان به استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه، اغماض حاکمیت با جرایم فعالان اقتصادی به دلیل ارتباط میان آن‌ها، عدم شفافیت محیط اقتصادی و ممانعت از بروز حساسیت افکار عمومی و احتمالاً تقبیح عمومی و پیچیدگی این‌گونه جرایم و نیاز به تخصص‌های ویژه فنی که مانع نمود بیرونی کنترل جرایم می‌شود اشاره کرد.

ج. نظریه روانشناختی

این نظریه به نظریه شخصیت جنایی پیناتل^۲ مشهور است. به نظر پیناتل، نه تنها میان مجرم و غیرمجرم اختلاف درجه وجود دارد بلکه میان خود مجرمان نیز این تفاوت هست. اختلافات اساسی مربوط به خصوصیات روانی فرد است که او را وادار به ارتکاب جرم می‌نماید و همین خصوصیات روانی هسته مرکزی شخصیت جنایی آنان را تشکیل می‌دهد به اعتقاد وی، خصلت‌های روانی خودخواهی، بی‌ثباتی، خشونت و فقدان عاطفه در هر انسانی کم‌وبیش وجود دارد و شدت و ضعف این خصلت‌ها و فرونی یکی بر دیگری یا تجمع آن‌ها باعث بروز رفتار مجرمانه می‌شود. اینکه فرد منافع خود را بر دیگران ترجیح می‌دهد نتیجه خودخواهی اوست. بی‌ثباتی موجب بی‌تفاوتی فرد نسبت به نتایج رفتار او می‌شود. خشونت او را وادار می‌کند در مقابل مقاومت دیگران، دست به خشونت بزند و بی‌عاطفگی موجب زایل شدن ترحم و مهربانی در او می‌شود. بنا بر این نظریه، مجرم

1. Geis

2. Pinatel . Jean



اقتصادی با دیدن افراد متمول احساس حقارت می کند و برای دستیابی به جایگاه آنان، قوانین را نادیده می گیرد (زراعت، ۱۳۹۱: ۵۹). خودخواهی فرد باعث فزون خواهی او می شود و موجب تحریک او برای رسیدن به جایگاه بالای اقتصادی و یافتن موقعیت برتر در میان جامعه و هم نوعان می شود. تحریک یک یا چند خصلت از این خصلت های روانی ممکن است موجب نفوذ در میان مقامات دولتی شده و پدیده مجرمانه فساد مالی را سبب شود یا اینکه انگیزه های برای کسب منفعت یا امتیاز مادی برای کارکنان و مدیران یک شرکت تجاری باشد.

نظریه شخصیت جنایی پیناتل صرفاً به شخصیت مجرم می پردازد. پیچیدگی و تخصصی بودن رفتار مجرمان اقتصادی موجب می شود که پس از ارتکاب جرم، نه تنها از سرزنش عمومی جامعه ترسی نداشته باشند بلکه از درون به زرنگی و مهارت خود افتخار کنند. جامعه نیز قبح عمل وی را به خوبی درک نمی کند و چه بسا برخی هوش و ذکاوت او را تحسین نمایند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴). این احساس مرتکب می تواند ناشی از خصلت های شخصیتی خودخواهی یا بی ثباتی و فقدان عاطفه در او باشد.

مرگن^۱ نیز شخصیت مجرمین یقه سفید را با ویژگی های خود محور بودن، ریا کاری، فقدان دغدغه خاطر و عذاب وجدان، عطش قدرت، از خود راضی بودن، کتمان کاری و پنهان سازی جنبه های مجرمانه فعالیت شرکت ها یا توجیه اعمال مجرمانه با استدلال های شبه حقوقی توصیف می کند (Mergen, 1970, 269pp).

د. نظریه مختلط

در این نظریه معیارهای شناسایی جرایم اقتصادی از اجتماع چند عامل به وجود می آید که ذیلاً به این عوامل اشاره می شود:

(۱) انگیزه مرتکب: انگیزه مرتکب نقش اصلی در شناخت جرم اقتصادی دارد و آن کسب سود و منفعت اقتصادی است. این معیار جنبه شخصیتی مجرمین را برجسته می کند. پروفیسور استینار استرم^۲ متخصص علوم اقتصادی از طرفداران این نظریه است. به نظر وی، اعمالی مانند قماربازی، سرقت و فحشا نیز جرم اقتصادی محسوب می شود. وی حتی جرم

1. Mergen

2. Steinar Storm

قتل را در صورتی که به خاطر پرداخت اجرت صورت گیرد جرم اقتصادی می‌داند (دادخدایی، ۱۳۸۹: ۵۵). از نظر فونتان سه عامل روانی و فردی مثل عدم پختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق اجتماعی مانند قضاوت دیگران و محیط پیرامون، بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت‌اندوزی کند. او عامل مادی مانند جنون کسب پول و مادیات را مؤثر در انگیزه مرتکب می‌داند. بائر^۱ بر واکنش اجتماعی نسبت به جرایم تکیه دارد و ضمانت‌اجراهای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد که شامل این موارد است: ۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک‌بودن ضمانت‌اجراها ۲- ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست و تأثیرپذیری آن‌ها در تدوین لوایح و توقعاتی که از مسئولین دارند ۳- موقعیت اجتماعی اعتمادساز بزه‌کاران ۴- فناوری که سهولت ارتکاب این جرایم توسط افراد صاحب فن را سبب شده است ۵- جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چند ملیتی و اسناد بین‌المللی که زمینه سوءاستفاده‌های بین‌المللی را فراهم می‌کند.

۲) موضوع و ابزار مورد استفاده: وجه تمایز جرایم اقتصادی از جرایم دیگر در ابزارها و زمینه‌هایی است که مربوط به فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. بر این اساس جرم اقتصادی رفتاری است که در دو قالب قراردادهای اقتصادی و ساختار شرکت‌ها واقع می‌شود. بنابراین جرم اقتصادی نه تنها چارچوب فعالیت حقوقی شرکت‌های تجاری را در برمی‌گیرد بلکه نقض همه سیستم‌های قانونی و مقررات مربوط به اقتصاد را هم شامل می‌شود.

۳) ویژگی عمل: ساترلند در شناسایی مجرمان یقه‌سفید که از دید وی همان مجرمان اقتصادی‌اند، ویژگی عمل ارتكابی آنان را معیاری برای تمایز جرم اقتصادی از دیگر جرایم معرفی می‌کند. عمل ارتكابی باید اعتماد را سلب نماید و انگیزه تحصیل سود، تابعی از ویژگی‌های شخصیتی مرتکب است. در نتیجه رفتاری که در یک شرکت تجاری و به صورت سازمانی صورت می‌گیرد به خودی خود قابل مجازات نیست ولی می‌تواند مبنایی برای جرم‌شناختن آن رفتار قرار گیرد (Sutherland 1949 P 13 Shapiro 1990). قرارداد جرایم اقتصادی در یک طبقه مفید نخواهد بود و بهتر است به جای رویکرد جامعه‌شناختی از رویکرد اقتصادی استفاده شود و ماهیت رفتارهای مجرمانه را در ویژگی و بستر ارتكاب آن‌ها سنجید. مثلاً اینکه فعل مجرمانه در مبادلات اقتصادی محقق شده یا نه

یا اینکه استفاده از زور، کاربرد داشته یا توسل به خدعه و نیرنگ؟ بنابراین، طبقه‌بندی صحیح باید به جای جرم محوری، موضوع محوری باشد.

۴) آثار و نتایج: با استفاده از این رویکرد، جرمی اقتصادی محسوب می‌شود که منجر به آسیب به اقتصاد یا یک سیستم اقتصادی شود و لزومی ندارد که در یک بخش تجاری اتفاق افتاده باشد بلکه با انگیزه کسب سود و در هر جای جامعه که روی دهد جرم اقتصادی محسوب می‌شود (Magnusson 1979, 46p). لذا می‌توان گفت که جرم اقتصادی با سیاست اقتصادی که کل نظام اقتصادی را تنظیم می‌کند در ارتباط است و در پی حمایت از مالکیت خصوصی نیست.

۵) مرتکب: جرایم اقتصادی به وسیله نوع خاصی از اشخاص ارتکاب می‌یابد که دارای موقعیت اجتماعی برتر هستند. به عقیده ساترلند، مجرم یقه سفید، تاجر یا شخص قابل احترامی در جامعه است که دست به چنین اعمالی می‌زند. در این نظر، جایگاه اجتماعی و اقتصادی مجرم بیش از هر چیزی مورد توجه قرار گرفته است. به علاوه کسانی مانند کوراکیس^۱ و فونتان^۲ و دلماس مارتی^۳ نیز به دخالت عوامل متعدد در ارتکاب جرم اعتقاد دارند. به نظر کوراکیس عوامل تاریخی شامل جمعیت، شهرسازی و توسعه صنعتی، عوامل محیطی شامل جامعه و فناوری های جدید و شخصیت بزهکار (هوش و ذکاوت این گونه مجرمان) در ارتکاب جرم مؤثرند. به نظر فونتان، همه بزهکاران اقتصادی گناهکار نیستند بلکه برخی از آنها برای جلوگیری از بحرانها و تشدید وضعیت نابسامان اقتصادی خود مرتکب اعمالی می‌شوند که جرم محسوب می‌شود اما انگیزه سوء ندارند. ولی گروه دیگر که به انگیزه کسب درآمد و مال اندوزی مرتکب جرم می‌شوند، باید به انگیزه مجرمانه آنان توجه شود و میان این دو دسته تفاوت قائل شد (زراعت، همان: ۶۳). به طور کلی در نظریه مختلط، عوامل اجتماعی و فردی شامل محیط اقتصادی و مالی از یک سو و عوامل روانی و شخصی (موقعیت مرتکب) از سوی دیگر، در ارتکاب جرایم اقتصادی نقش اساسی دارند. نظریات یادشده (جرم شناختی) اولاً، ضمن اینکه هر یک تبیین خاصی از بزهکاری اقتصادی ارائه می‌دهد در عین حال هر یک به نحوی ضابطه‌ای را برای این نوع بزهکاری تعیین می‌کند که در پرتو این ضوابط، از بزهکاری عادی و غالباً مربوط به طبقات پایین دست جامعه متمایز

1. Courakis
2. Fontan
3. Delmas Marty

و تفکیک می‌شود به نحوی که برخی از این ضابطه‌ها مبتنی است بر انگیزه (نظریه آنومی)، برخی بر شخصیت ویژه مجرم اقتصادی (نظریه پیناتل)، برخی بر شیوه ارتکاب جرم (نظریه عمومی تزویر) و برخی بر اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و حقوقی (نظریه محیط و شرایط اقتصادی) مبتنی است. ثانیاً در ارزیابی این نظریات لازم به ذکر است که موضوع این مقاله، شناسایی ضابطه برای جرم اقتصادی است در حالی که نظریات یاد شده تلاش می‌کند بزهکاری اقتصادی را از بزهکاری غیراقتصادی متمایز نماید.

۲-۳. ضابطه‌های مبتنی بر نظریات اقتصادی (واقعیت اقتصادی)

منظور از چنین معیارهایی، معیارهای اقتصادی جرم نیست بلکه دیدگاه کسانی است که با تحلیل‌های اقتصادی رفتار مجرمانه را ارزیابی و دسته‌بندی می‌کنند. ارائه‌کنندگان این نظریات، گری بکر،^۱ سیمپسون،^۲ جان فون نیومن،^۳ مک کارتی،^۴ لاوب^۵ و لورانس^۶ بودند که هر کدام در دفاع از نظریات خود و نقد دیگر نظریه‌ها دلایلی ارائه کرده‌اند. نظریات و معیارهای شناخت جرم اقتصادی عبارت‌اند از:

الف. معیار محرک‌های مرتکب^۷

ب. معیار عواید اقتصادی^۸

ج. معیار فرآیندهای اقتصادی^۹

اینک شرح هر کدام از این معیارها:

الف. معیار محرک‌ها (انگیزه‌ها)ی مرتکب

این نظریه، جرم اقتصادی را رفتار غیرقانونی می‌داند که انگیزه اصلی مرتکب، کسب منفعت و تحصیل سود یا امتیاز اقتصادی است. جرایمی چون تقلب مالیاتی، تقلب گمرکی، فساد مالی و قاچاق کالا و ارز در پرتو این نظریه در گروه جرایم اقتصادی جا

1. Gary Becker
2. Simpson
3. John Von Neuman
4. McCarthy
5. Laub
6. Lawrence E
7. Offender Motivations
8. Economic Outcomes
9. Economic Processes .

می گیرند. رسیدن به خواسته‌ها و امتیازات مالی و اقتصادی به قیمت نقض قوانین و سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه مرتکبین این گونه جرایم است.

ب. معیار عواید اقتصادی

بر اساس این نظریه که هزینه‌های بزه‌دیدگان را بررسی می‌کند، جرایم اقتصادی، جرایمی است که بزه‌دیدگان از ناحیه آن، چیزی از دست داده و متحمل هزینه‌ای می‌شوند. بنابراین این گونه جرایم، بزه‌دیدگان مستقیم مانند اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و اشخاص حقوقی و بزه‌دیدگان غیرمستقیم دارد که ممکن است دولت یا نظام اقتصادی باشد. از این رو جرایم اقتصادی دسته‌ای از جرایم است که کارآمدی و سودمندی تجارت، بازرگانی و کسب و کار را از حالت عادی و نظم موجود خارج کرده و نتایج و پیامدهای سوء آن، فراتر از شخصی است که مستقیماً زیان می‌بیند و به دیگران نیز آسیب می‌رساند (نورزاد، همان: ۵۱). وصول و جوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اختلال در نظام اقتصادی شود، اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار، تأسیس، نمایندگی و عضوگیری شرکت‌های هر می از این معیار بررسی می‌شود.

ج. معیار فرآیندهای اقتصادی

این نظریه توسط اقتصاددانان در دهه ۱۹۶۰ ارائه شده و بیانگر این موضوع است که فرآیندهایی که منجر به رفتار کیفری می‌شود به مثابه همان فرآیندهایی است که رفتار مصرف‌کننده را در بازار شکل می‌دهد. رهیافت‌های گری بکر که به نظریه نئو کلاسیک یا اقتصادی تبیین جرم مشهور است با این دیدگاه هماهنگ است. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در نظریات بنتام^۱ و بکاریا^۲ مشاهده نمود. نظریات این دو تن در مورد مجازات مجرمین و معیار ارباب برای جلوگیری از ارتکاب جنایت اگرچه در آن زمان متوجه جرایم اقتصادی نبوده است ولی محاسبه هزینه - منفعت که به خصوص در دیدگاه بنتام مشهود است، در برآورد مرتکب، برای جرایم اقتصادی که مستقیماً با انگیزه تحصیل سود و امتیاز مادی است قابل توجیه است.

1. Jeremy Bentham
2. Cesare Beccaria

گری بکر معتقد بود که مجرمان به لحاظ زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی متفاوت از دیگران نیستند و تصمیم آنان به ارتکاب جرم، تنها متأثر از انگیزه‌ها و عوامل جبری نیست بلکه از تمامی مؤلفه‌هایی که رفتارهای عامدانه و قاصدانه انسانی را شکل می‌دهد تأثیر می‌پذیرد. بنابراین به همان شکل که در اقتصاد، افراد برای رفتار اقتصادی دست به انتخاب می‌زنند، در گزینش متغیرهای مجرمانه از متغیرهای غیرمجرمانه امکان انتخاب دارند و همانند مصرف‌کننده‌ای در بازار عمل می‌نمایند.

بر اساس این نظریه، افرادی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرند، همان تحلیل هزینه - منفعتی را به کار می‌گیرند که هنگام اتخاذ رفتارهای قانونی دارند (همان: ۵۶-۵۲).

جوکوئیست^۱ با پیروی از روش بکر، مدلی پایه‌گذاری نمود که در آن افراد با فرض داشتن زمان ثابت، آن را در میان کارهای قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌نمایند که در آن هزینه‌های مالی و روانی و عایدی مورد انتظار ناشی از جرم در تصمیم‌گیری‌های آنان مؤثر است (Sjoquist, 1973: 447-440 pp). پس در رهیافت اقتصادی به رفتار جنایی می‌توان گفت، شخصی که مرتکب جنایت می‌شود به‌جای سرمایه‌گذاری در فعالیت قانونی بی‌تناسب با خصوصیت شخصیت و انگیزه‌های خود، با انتظارات مادی و منفعت حاصل از عمل مجرمانه خود که در مقایسه با فایده احتمالی حاصل از صرف وقت و منابع مالی در فعالیت قانونی، از قطعیت و ارزش بیشتری برخوردار است تمام توجه خود را معطوف به ارزیابی مزایا و هزینه‌های مربوط به جرم اقتصادی می‌نماید (گسن، ۱۳۷۰: ۱۸۴). این معیار با دیدگاه مکاتب تحلیل اقتصادی حقوق در ارتباط و تأثیر متقابل قواعد حقوقی و انگیزه‌های ارتکاب جرم منطبق است. رویکرد اقتصادی به قوانین کیفری پیش‌بینی می‌کند که افراد مجرم همانند دیگران به محرک‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند و شواهد روشنی دال بر این نکته وجود دارد که افزایش احتمال و شدت مجازات در یک رفتار مجرمانه، میزان ارتکاب آن جرم را کاهش می‌دهد.

۳-۳. ضابطه اقتصادی

ضابطه اقتصادی، به بررسی موضوع جرایم اقتصادی توجه دارد. در واقع مهم‌ترین ویژگی جرم اقتصادی، برتری جنبه عینی جرم بر جنبه شخصی و ذهنی آن است. یعنی آنچه در جرم اقتصادی اهمیت دارد تأثیرگذاری بر روند سالم سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. ملاک در این ضابطه، حوزه و قلمرو ارتکاب این‌گونه جرایم است. از

جنبه معیار موضوعی، جرایمی که علیه دو شاخص اقتصادی صورت گیرد جرم اقتصادی محسوب می شود. این دو شاخص را می توان تحت عناوین «سیاست های اقتصادی» و «فعالیت های اقتصادی» دسته بندی نمود.

جرایم حوزه دسته اول به سیاست های اقتصادی دولت مربوط است و دربرگیرنده سیاست های مالی و پولی می شود. جرایم حول محور پول و ارز و درآمدهای دولت در این دسته قرار می گیرند.

جرایم حوزه دسته دوم مربوط به فعالیت های اقتصادی است که کلیه فعالیت های مربوط به تولید، توزیع و مصرف را شامل می شود. در این دسته، هرگونه عمل مجرمانه علیه فعالیت بنگاه های اقتصادی، شرکت های تجاری و حقوق مصرف کننده به عنوان جرم اقتصادی قابل تعقیب است.

ابتدا به معیار جرایم علیه سیاست های اقتصادی پرداخته می شود. اما پیش از آن معرفی اجمالی نظام های اقتصادی ضرورت دارد:

سه نظام اقتصادی برنامه ای،^۱ لیبرال یا آزاد^۲ و نظام اقتصادی مختلط^۳ در دنیا رواج دارد. در نظام اقتصادی برنامه ای، ابزارها و فعالیت های اقتصادی تحت نظارت و منطبق با سیاست مرکزی دولت به کار گرفته می شود و تخلف از مقررات تنظیمی دولت، جرم محسوب می شود. اصول حاکم بر بازار، دستورها و اوامر دولت است و سازوکار بازار باید خود را با مقررات دولتی هماهنگ نماید. بنابراین ارتکاب اعمال و رفتار مخالف با سیاست های اقتصادی دولت، جرم محسوب می شود و مجازات های سنگین به دنبال دارد.

در نظام اقتصادی لیبرال یا اقتصاد آزاد، مردم در انجام فعالیت های اقتصادی خود آزادند و دولت در اقتصاد دخالتی ندارد و رقابت آزاد حاکم است. در این نظام، آنچه ملاک سرمایه گذاری، تولید، توزیع، درآمد، قیمت گذاری و عرضه کالا و خدمات است تصمیم گیری های شخصی است. در عین آزادی رقابت در این نوع نظام اقتصادی، رقابت نامشروع با واکنش دولت مواجه خواهد شد و معمولاً قانون مستقل به نام قانون جرایم اقتصادی وجود ندارد بلکه قوانین کیفری اقتصادی به صورت متفرقه، بیان شده است و جرایم اقتصادی به صورت مقطعی و به تناسب شرایط اقتصادی وضع می شود و معمولاً دوره

1. Planned Economy
2. Unplanned Economy
3. Semi – Planned Economy

اعتبار مشخصی دارد. دخالت دولت جنبه ارشادی داشته و در جهت حمایت از سرمایه‌های خصوصی اشخاص صورت می‌گیرد لذا دخالت دولت، بسیار محدود و نظارت به صورت حداقلی است (زراعت، همان: ۵۵).

نظام اقتصادی مختلط، ترکیبی از نظام اقتصادی آزاد و دولتی است (نیک‌گهر ۱۳۶۹: ۲۸۷). امروزه در اکثر کشورها نظام اقتصادی مختلط حاکم است ولی ممکن است در پاره‌ای از کشورها یکی از جنبه‌ها غالب باشد. بنابراین دولت در امور اقتصادی دخالت دارد اما این دخالت مطلق نیست و به اندازه‌ای نیست که آزادی‌های مردم را به‌طور کل سلب نماید. جرم‌انگاری در این نظام به شکلی است که در صورت تعدی به سیاست‌های اقتصادی، دولت واکنش نشان داده و در مقابل از فعالیت‌های اقتصادی مشروع اشخاص نیز حمایت می‌کند (زراعت، همان: ۵۷). با وجود این، نمی‌توان گفت که در یک نظام اقتصادی، قوانین مربوط به جرم اقتصادی وجود دارد و در نظام دیگر نیست و همچنین نمی‌توان مدعی شد که در اقتصادهای متمرکز، جرم اقتصادی و حقوق جزای اقتصادی پذیرفته شده و در نظام غیرمتمرکز، چنین قوانینی تصویب نشده است چرا که در نظام‌های اقتصادی آزاد یا لیبرال نیز پاره‌ای از جرایم که مربوط به دولتمردان می‌شود امکان ارتکاب دارد. جرایمی که تحت عناوین فساد مالی، ارتشا، پرداخت چک مجعول بررسی می‌شود در بیشتر کشورها و حتی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به‌عنوان جرم اقتصادی شناسایی شده است.

حال باید دید منظور از سیاست‌گذاری اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی چیست. سیاست‌گذاری اقتصادی مجموعه اقدامات و دخالت‌های دولت در اقتصاد است که به‌منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی^۱ و اجتماعی معین با استفاده از ابزارهای تحت کنترل خود در چارچوب امکانات و محدودیت‌ها صورت می‌پذیرد. منظور از سیاست اقتصادی، به کارگیری ابزارها و امکانات مالی و پولی برای نیل به اهداف اقتصادی است (محتشم دولتشاهی، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۹۰). از ابزارهای اقتصادی دولت برای کنترل تورم و رشد اقتصادی می‌توان وضع قواعد مالیاتی، مقررات صادرات و واردات، قوانین کار و حداقل دستمزدها، عرضه اوراق مشارکت و قوانین پولی و ارز را نام برد. به کارگیری ابزارهای اقتصادی برای

۱. از اهداف کلان اقتصادی می‌توان به رشد اقتصادی، مهار تورم، موازنه پرداخت‌ها، اشتغال و رفاه اقتصادی اشاره کرد



نیل به اهداف اقتصادی صورت می‌گیرد. مثلاً عرضه اوراق مشارکت برای کاهش نقدینگی در دست مردم و کنترل تورم یا محدود کردن واردات برای حمایت از تولید داخلی و افزایش اشتغال صورت می‌گیرد. سیاست‌های اقتصادی دولت به دو بخش سیاست‌های مالی و پولی تقسیم می‌شود. هدف مشترک سیاست‌های پولی و مالی، نگاه داشتن تولید در نزدیکی اشتغال کامل و تثبیت سطح قیمت‌های موجود در اقتصاد است. در صورت تحقق صحیح سیاست‌های اقتصادی دولت، می‌توان به ثبات اقتصادی دست یافت.

ثبات اقتصادی به منزله عدم نوسانات بیش از حد در اقتصاد کلان است. مشخصه‌های ثبات اقتصادی عبارت‌اند از افزایش تولید نسبتاً ثابت، تورم پایین، اشتغال‌زایی و ... در مقابل، وجود رکود اقتصادی در چرخه کسب و کار و تولید، تورم بسیار بالا یا متغیر و بحران‌های مالی مکرر، نشان از بی‌ثباتی دارد (2p 2012, Factsheet).

اینک در دو بخش به بررسی جرایم علیه سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی پرداخته می‌شود؛

الف. جرایم علیه سیاست‌های اقتصادی

گفته شد که سیاست‌های اقتصادی دربرگیرنده سیاست‌های پولی و مالی است. برخی معتقدند که نوع دیگری از سیاست‌های اقتصادی دولت وجود دارد و آن سیاست‌های درآمدی است. اما باید گفت که سیاست‌های درآمدی، زیرمجموعه سیاست‌های مالی است. سیاست پولی کشور توسط بانک مرکزی اتخاذ و ابلاغ می‌شود که از طریق ابزارهای حداقل ذخیره قانونی، تعیین نرخ تنزیل مجدد، عرضه اوراق مشارکت و غیره صورت می‌گیرد. آن بخش از اعمال مجرمانه که مخالف این گونه سیاست‌ها باشد ممکن است در سه دسته قرار گیرد (Wilfrid, 2000, p, 117). بخشی مربوط به خلق مجرمانه پول اعم از پول فلزی و اسکناس و اسناد جایگزین پول مثل چک است که با جعل و وارد کردن آن به چرخه اقتصادی به نوعی ایجاد پول کاذب نموده و علاوه بر اختلال در نظام پولی و بانکی و تورم، منفعت مادی برای مرتکب نیز به دنبال دارد. پول‌های اعتباری مانند چک‌های الکترونیکی و تضمینی و مسافرتی و کارت‌های اعتباری نیز از این دسته است. خلق مجرمانه از این جهت جرم علیه سیاست اقتصادی دولت محسوب می‌شود که علاوه بر افزایش حجم پول و کاهش ارزش پول و سلب اعتماد عمومی عملاً کنترل و نظارت دولت و بانک مرکزی را که متولی ضرب سکه و چاپ اسکناس است مختل می‌سازد.

جعل اسکناس داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی در شرایط عادی جزو جرایم علیه آسایش عمومی دسته‌بندی می‌شود. اما دقت در متن ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) بیانگر این است که ارتکاب این جرایم به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی، این جرایم را در زمره جرایم اقتصادی قرار می‌دهد (میرمحمدصادقی ۱۳۸۱:۲۶۸). گرچه در زمان تصویب قانون، توجهی به جرم اقتصادی نشده بود درعین حال چنین عملی به لحاظ اخلال در نظام اقتصادی و برهم‌زدن سیاست اقتصادی در زمره جرایم اقتصادی قرار می‌گیرد چرا که این‌گونه جرایم با توجه به تعریف سیاست‌های اقتصادی که دربرگیرنده سیاست‌های پولی و مالی است، اخلال در نظام پولی و مالی محسوب می‌شود.

بخشی دیگر از جرایم مربوط به پول، جرایمی است که به‌منظور تحصیل مجرمانه پول ارتکاب می‌یابد. جرایمی همچون جرایم بورسی، جرایم مربوط به قیمت‌ها، اوراق مشارکت، قرض پول (ربا) و قاچاق کالا و ارز در این دسته قرار می‌گیرد. جرایم بورسی شامل اقداماتی می‌شود که خارج از روند عادی و صحیح معاملات اوراق بهادار بوده و غالباً توأم با سوءنیت و با توسل به شیوه‌های غیرقانونی و به‌منظور قیمت‌سازی و اخلال در بازار بورس ارتکاب می‌یابد. عمده‌ترین جرایم بورسی عبارت است از: معامله متکی بر اطلاعات نهانی، سوءاستفاده از اطلاعات نهانی، افشای مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات مجرمانه، دست‌کاری قیمت بازار، افشای اسرار اشخاص توسط کارگزار بورس، کارگزار / معامله‌گر یا بازگردان، خودداری از ارائه اطلاعات یا اسناد و مدارک مهم به سازمان بورس و غیره ...^۱

دست‌کاری غیرقانونی قیمت سهام نیز به‌صورت تبانی قبلی و ساختگی ارتکاب می‌یابد که بر قیمت سهام و دیگر اوراق بهادار قابل مبادله تأثیر می‌گذارد. تقلب در اوراق بهادار، اعتماد مردم به بازار بورس را تضعیف می‌نماید؛ بازاری که برای ایجاد فرصت‌های برابر سرمایه‌گذاری‌های عمومی در معاملات اوراق بهادار ایجاد شده است که در نهایت موجب کاهش اعتماد به نفس در بازار سهام و فقدان سرمایه‌گذاری لازم برای تأمین نیازهای مالی حوزه کسب و کار و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود (Vizon Lapitan, 2000, 8P).

جرایم مربوط به قیمت‌ها نیز که دربرگیرنده اعمال مجرمانه‌ای نظیر تجاوز از قیمت مصوب، ایجاد قیمت‌های کاذب و اخلال در آزادی حراج و مزایده است و همچنین انتشار

۱. برای اطلاعات بیشتر، ک: میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق کیفری اوراق بهادار، میزان، ۱۳۸۹.

امور غیر واقع در مورد اوراق مشارکت عرضه شده توسط دولت به منظور سلب اعتماد مردم و تحریک به استرداد این اوراق به منظور خرید آن‌ها توسط فرد تحریک کننده نیز مصادیق جرم اقتصادی با عنوان تحصیل مجرمانه پول محسوب می شود (Wilfrid, op.cit p, 119).

گرفتن ربا و سوء استفاده از اضطرار اشخاص در دادن قرض یا بهره و وساطت در ربای قرضی نیز به لحاظ فلسفه ربا که به نوعی مانع امر تولید می شود، اخلال در نظام اقتصادی و جرم علیه سیاست اقتصادی محسوب می شود زیرا رباگیرنده بدون هیچ فعالیت تولیدی و اقتصادی مبالغی را از طریق مجرمانه تحصیل می کند.

گاهی اوقات منشأ پول تحصیل شده قانونی است ولی بخشی از درآمد که سهم دولت است و جزو درآمدهای دولت برای مخارج عمومی محسوب می شود و تکلیف اشخاص به پرداخت این وجوه است با عدم تکالیف قانونی و پرداخت آن‌ها عنوان جرم اقتصادی دارد که از آن به حبس مجرمانه پول تعبیر می شود. حبس مجرمانه پول، در برگیرنده اعمال و رفتارهای مجرمانه‌ای مانند تقلب مالیاتی از طریق اظهار نادرست مالیاتی یا دست کاری در دفاتر، تقلب گمرکی (واردات و صادرات کالا بدون اظهارنامه یا اظهارنامه نادرست) و پول شویی می شود. جرایم مرتبط با پرداخت مالیات به دلیل اتکای اقتصاد بسیاری از کشورها بر مالیاتی است که از مردم دریافت می شود و ناهنجاری در پرداخت آن می تواند به متزلزل شدن اقتصاد منجر شود و این دسته از جرایم برخلاف دیگر جرایم اقتصادی بر ضد دولت است و منافع و مزایای شهروندان به طور مستقیم، هدف جرم واقع نمی شود (نورزاد، همان: ۱۴۷).

تقلب گمرکی عبارت است از تخلف گمرکی که بدان وسیله شخصی موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات‌ها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده یا اجرای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته یا منافی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد. (ماده یک کنوانسیون بین‌المللی همکاری‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب ۱۹۵۵).^۱ پول شویی نیز از جمله جرایم مهم اقتصادی محسوب می شود.

ب. جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی در سه محور تولید، توزیع و مصرف در جریان است و عملکرد بازار در این رابطه، تمامی عوامل اعم از تولیدکننده، توزیع کننده، مصرف کننده، بورس و

۱. ایران نیز به موجب مصوبه مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۲۰ / ۳ / ۱۳۷۶ به این کنوانسیون ملحق شده است.

اوراق بهادار، صادرات و واردات، محیط‌زیست، رقابت مشروع، بازار پول و ارز و به‌طور کلی همه عوامل اقتصادی در یک جامعه را در بر می‌گیرد. این سه محور که به محورهای جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند شامل دوره فعالیت‌های اقتصادی (شروع و پایان فعالیت) ابزارهای فعالیت‌های اقتصادی (شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی) و موضوع فعالیت‌های اقتصادی (حوزه رقابت و مصرف) می‌شوند (Wilfrid, op.cit, 523 - 401, 291 - 273 pp). طبق این ضابطه، هرگونه جرمی که مخلاً فعالیت اقتصادی شود، خواه از طرف یک شرکت تجاری یا بنگاه اقتصادی سر زده باشد، خواه از طرف اشخاص حقیقی و خرده‌فروشان، می‌تواند در قلمرو جرم اقتصادی قرار گیرد.

برای تنظیم یا تصدی فعالیت‌های اقتصادی، قواعدی توسط دولت وضع می‌شود. در نظام‌های متمرکز، دولت خود تصدی فعالیت‌های اقتصادی را در قالب شرکت‌های دولتی برای تولید و توزیع بر عهده می‌گیرد. در نظام‌های غیرمتمرکز نیز انجام فعالیت‌های اقتصادی مستلزم رعایت پاره‌ای ضوابط مقرر است ولی نظارت دولت شدید نیست. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی (Enterprise) برای وارد شدن به چرخه اقتصادی مکلف به رعایت نظامات هستند. قوانین وضع شده در خصوص تشکیل شرکت‌های تجاری ممکن است صرفاً معطوف به حمایت از حقوق مصرف‌کننده نباشد و منافع و حقوق سهام‌داران و اشخاص ثالث را مدنظر قرار دهد. الزامات مربوط به تشکیل و ثبت شرکت، نشر آگهی، انتشار اوراق قرضه و تشکیل جلسات مجامع و تصمیمات آن‌ها از این دسته است. بنابراین هرچند نتوان به‌طور مستقیم به‌عنوان جرایم علیه سیاست‌های اقتصادی دولت یا فرایند تولید و توزیع و مصرف به آن‌ها نگاه کرد، چون هدف تمامی شرکت‌های تجاری کسب سود و منفعت مادی است و همگی در چرخه اقتصادی فعالیت می‌کنند تحت عنوان جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی قابل بررسی است کما اینکه قانونگذار هم در پاره‌ای موارد مجازات‌های کیفری شدیدی در حد کلاهبرداری برای آنان در نظر گرفته است.

در قانون کیفری جمهوری ارمنستان، ایجاد و تأسیس یک شرکت تجاری بدون قصد انجام فعالیت‌های کارآفرینی و بانکی، با هدف اخذ وام، فرار از مالیات، به‌دست آوردن مزایای مادی و پنهان کردن فعالیت‌های ممنوع که موجب آسیب به دولت و دیگر شرکت‌های تجاری و مردم می‌شود جرم و مستوجب مجازات است.^۱ نمونه دیگر جرم

1. Article 189 . False entrepreneurial activity .1 . Establishment of a commercial

اقتصادی مرتبط با تشکیل و فعالیت ممنوعه، تأسیس و اداره شرکت‌های هرمی است که در بیشتر کشورها جرم‌انگاری شده است. در اقتصاد امروز دنیا که ارتباطات مجازی و رایانه‌ای گسترش یافته، از طریق بازاریابی شبکه‌ای اقدام به جذب مشتری و فروش محصولات خود می‌نمایند ولی در شکل منفی بازاریابی شبکه‌ای، سوداگران بدون اقدام به فعالیت اقتصادی از طریق جذب افراد و تشکیل زنجیره انسانی مبالغی را به دست می‌آورند که به نظام تولید ضربه می‌زند. این گونه شرکت‌ها غیرقانونی بوده و هرگونه فعالیت در آن‌ها توسط مؤسسين و اداره کنندگان تحت عنوان جرم اقتصادی تلقی و مرتکبین به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور مجازات می‌شوند.

طبق نظر پروفیسور تراکمن^۱ جرم اقتصادی به دو گروه تقسیم می‌شود. گروه اول فعالیت‌های اقتصادی اساساً نامشروع و غیرقانونی است نظیر شرط بندی و قمار و گروه دوم جرایمی است که به منظور تحصیل سود در راستای فعالیت‌های اقتصادی پس از تأسیس قانونی تشکیلات اقتصادی اتفاق می‌افتد که شامل سوءاستفاده از سرمایه مورد استفاده در تشکیلات اقتصادی و فعالیت‌های منجر به ضرر شرکای اقتصادی، سهام‌داران و اشخاص ثالث، سوءاستفاده از سرمایه‌های امانی شرکت و انجام اقدامات علیه کارگران مانند تخلف از حداقل دستمزدها، نقض قوانین رقابت تجاری، نقض حقوق مصرف کننده و جرایم زیست محیطی و تخلفات نقض منافع دولت مانند فساد مالی و تقلب مالیاتی می‌شوند (دادخدایی، همان: ۵۶).

برخی از جرایم مربوط به دوره فعالیت شرکت‌ها تجاری است. جرایم ورشکستگی به تقلب و تقصیر جزو این گونه جرایم محسوب می‌شود. جرایم ارتكابی در این مرحله را تحت عنوان جرایم شرکتی نام گذاری کرده‌اند. جرایم شرکتی معطوف به اقدامات مجرمانه دسته جمعی (هیئت مدیره و مدیرعامل) یا کارکنان شرکت است که اهداف مشترک را برای تسهیل منافع شرکت دنبال می‌کنند. جرایمی مانند حساب سازی، تقلب در تنظیم صورت‌های مالی شرکت، رقابت مکارانه جزو این دسته قرار می‌گیرد (203p ,

enterprise without intention to conduct entrepreneurial or banking activity, aimed at obtaining loans evading from taxes, obtaining other property benefits or hiding prohibited activities, which inflicted a large to the citizens, commercial enterprises or to the state, is punished with a fine in the amount of 300 to 500 minimal salaries ...

1. Trackman

(bacher, 2004). لذا از طریق شرکت‌های تجاری یا بنگاه‌های اقتصادی (به‌عنوان ابزار فعالیت اقتصادی) فعالیت‌های نامشروع و غیرقانونی صورت می‌گیرد. اما اینکه فعل مجرمانه به شرکت یا مدیران و کارکنان منتسب می‌شود مورد اختلاف است. در این زمینه دو نظریه مطرح شده است: نظریه همانندسازی جرایم شرکت‌ها به جرایم مدیران شرکت و نظریه استقلال جرایم شرکت‌ها. دلیل اصلی بروز این اختلافات در پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی بوده است.

به‌موجب نظریه همانندسازی، جرم شرکت‌ها بازتاب اعمال مجرمانه مدیران شرکت است. بنابراین انحراف شرکت، ناشی از تصمیمات و اقدامات مدیران برای اداره شرکت بوده و ممکن است به‌منظور نجات یک شرکت در آستانه ورشکستگی انجام پذیرد که جرایم واکنشی نام دارد یا در آغاز تأسیس صرفاً با هدف و انگیزه کلاهبرداری یا پنهان کردن اعمال مجرمانه صورت می‌گیرد که جرایم ساختگی نامیده می‌شود. در مقابل، نظریه استقلال بزهکاری شرکت‌ها با استناد به این اصل که در اقتصاد لیبرال و به‌طریق‌اولی در عصر جهانی‌شدن این اقتصاد، هدف اصلی هر شرکت به حداکثر رساندن سود است، لذا بزهکاری اقتصادی بخش اجتناب‌ناپذیر این‌گونه نهادهای اقتصادی است، چرا که به‌منظور ادامه حیات و فعالیت خود در فضای رقابت، راهی جز توسل به بزهکاری ندارند (گسن، همان: ۱۲۶-۱۲۵).

جرایم موضوع فعالیت‌های اقتصادی در دو حوزه رقابت میان تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان و حوزه مصرف متمرکز است. در آمریکا بر اساس قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده، فروشندگانی که از رویه‌های غیرمنصفانه، فریب‌کارانه و تبلیغات دروغین، کالا و خدمات خود را عرضه نمایند تحت تعقیب قرار می‌گیرند.

ملاک تبلیغات فریبنده و خلاف واقع، ایجاد رابطه غیرواقعی بین تصویر و بیان در تبلیغات، عدم وضوح عناصر مهم در تبلیغات و نحوه ارائه و محتوای تبلیغات است که باعث سردرگمی، اغتشاش انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح مشتری می‌شود (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۹). با تبلیغ فریبنده و دروغین و وانمود کردن کالا و خدمات غیرواقعی به‌جای کالای با کیفیت، در واقع تولیدکننده یا توزیع‌کنندگان به‌طریق نامشروع، مالی را تحصیل می‌کنند که مستحق آن نبوده‌اند چرا که در صورت اطلاع‌رسانی صحیح به مشتری، او یا از خرید محصول خودداری می‌نمود یا به قیمت کمتر خریداری می‌کرد و این از مصادیق عمل بزهکاری به انگیزه کسب منفعت مادی است. در بیشتر قوانین داخلی کشورها و

حقوق بین الملل، حقوق مصرف کننده را شامل حق برخورداری از سلامت و ایمنی، حق جبران خسارت، حق آموزش، حق داشتن محیط زیست سالم و غیره می دانند. مصرف کننده ای که با تبلیغات دروغین مغبون شده و کالای تقلبی یا بی کیفیت دریافت داشته به نوعی بزه دیده جرم اقتصادی در حوزه مصرف محسوب می شود. از این گذشته، تبلیغات دروغ یا تقلب در کالا و خدمات، نقض قوانین کیفیت و استاندارد نیز هست. سازمان استاندارد کیفیت اینزو ۱۹۶۴ و اصلاح بعدی آن در سال ۲۰۰۰، کیفیت را این گونه توصیف می نماید: « کیفیت یعنی مجموعه ویژگی هایی که یک کالا یا خدمات یا یک فرایند باید داشته باشد تا نیازها و انتظارات آشکار و پنهان مشتری را برآورده نمود و ظرفیت بهبود پذیری نیز داشته باشد».

دامنه جرایمی که موجب نقض حقوق مصرف کننده است، تولید و توزیع کالا و خدمات را در برمی گیرد. این جرایم ممکن است به صورت کلان توسط شرکت های بزرگ تولید کننده با تولید و عرضه کالاهای معیوب صورت پذیرد یا توسط واسطه ها و فروشندگان کوچک که نقش توزیع کننده را ایفا می کنند به صورت عرضه کالای معیوب یا فاقد استاندارد یا با تبلیغ کاذب یا قیمت غیر واقعی به وقوع پیوندد (30p.2001,croal). در ماده ۸۲ اتحادیه اروپا (رم) و لایحه قانون رقابت ایران، مصادیق توافقی مغایر با رقابت، شامل مواردی است که با سوء استفاده از موقعیت برتر ممکن است از طریق تعیین یا حفظ یا تغییر قیمت نامتعارف کالا یا خدمات، تحمیل شرایط غیرمنصفانه قراردادی، تحدید مقدار عرضه و تقاضا به منظور افزایش یا کاهش قیمت بازار، ایجاد مانع در ورود رقبای جدید یا حذف آنها، مشروط ساختن قرارداد به قبول تعهدات غیر مرتبط و تملک سرمایه شرکت ها در صورت منجر شدن به اخلال در رقابت، صورت گیرد (صادقی ۱۳۸۶:۱۸۳-۱۸۱). در حوزه رقابت، تخلفات و جرایم ارتكابی متوجه تولید کنندگان و توزیع کنندگان کالا و خدمات می شود. در این رابطه اقتصادی، وضعیت رقابتی به وضعیت انحصاری یا نیمه انحصاری تبدیل می شود. قیمت گذاری تهاجمی^۱، سوء استفاده از موقعیت برتر^۲ و طفیلی گری اقتصادی^۱

۱. (Aggressive pricing) به موجب بند (د) ماده ۴۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵، قیمت گذاری تهاجمی عبارت است از: عرضه کالا یا خدمت به قیمتی پایین تر از هزینه تمام شده آن به نحوی که لطمه جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود افراد جدید به بازار شود

۲. (Abuse of dominant economic status) به موجب بند (ط) ماده ۴۵ قانون فوق، سوء استفاده از وضعیت

از جمله جرایم اقتصادی در حوزه موضوع فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. آنچه در مجموع به عنوان ضابطه اقتصادی در حوزه سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی می‌توان گفت، به هدف اصلی حاکمیت در برقراری نظم عمومی اقتصاد معطوف است. به همین جهت جرم اقتصادی شامل هر فعل یا ترک فعلی می‌شود که به سلامت بنیان اقتصادی لطمه می‌زند.

نتیجه

جرایم اقتصادی ماهیت پیچیده‌ای دارند و به دلیل تأثیرپذیری این گونه جرایم از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، علم جرم‌شناسی نیز علی‌رغم جامعیت نتوانسته شناخت کاملی از آن‌ها پیدا نماید و در نهایت منجر به بروز نظریات مختلف در این زمینه شده است. به کارگیری اصطلاحاتی چون «مفاسد اقتصادی»، «جرم مالی»، «جرم اقتصادی» «اخلال در نظام اقتصادی» و ... در متون قانونی، برداشت‌های متفاوتی را در پی داشته است. وصف اقتصادی این گونه جرایم، اتخاذ سیاست کیفری هوشمندانه را طلب می‌کند به این دلیل که دوام و بقای جوامع تا حد زیادی به اقتصاد وابسته است. به علاوه مرز میان جرایم حوزه فعالیت‌های مشروع تجاری و کسب و کار با بزهکاری اقتصادی روشن نیست و چه بسا جرم‌انگاری پاره‌ای از فعالیت‌ها بدون تعیین ضابطه و معیار مؤثر و مفید، انگیزه سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی را از بین ببرد. از طرفی دیگر بیان مصادیق ممکن است موجب مصونیت بسیاری از مرتکبان جرایم اقتصادی با تکیه بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها شود و از آنجا که اکثر بزهکاری‌های اقتصادی در پوشش فعالیت‌های قانونی و به ظاهر مشروع صورت می‌گیرد، غفلت از نتیجه مجرمانه و توجه بیشتر به مبنا و منشأ عمل شخص، جامعه را از کیفردهی و اجرای عدالت باز می‌دارد. به علاوه، تعاریف و دسته‌بندی‌های صورت گرفته از بزهکاری‌های اقتصادی نه تنها به شناخت این جرایم کمکی

اقتصادی مسلط به یکی از این روش‌ها صورت می‌گیرد: ۱- تعیین، حفظ یا تغییر قیمت یک کالا یا خدمت به صورتی غیرمتعارف، ۲- تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه، ۳- تحدید مقدار عرضه یا تقاضا به منظور افزایش یا کاهش قیمت بازار، ۴- ایجاد مانع به منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاه‌ها یا شرکت‌های رقیب در یک فعالیت خاص، ۵- مشروط کردن قراردادها به پذیرش شرایطی که از نظر ماهیتی یا عرف تجاری، ارتباطی با موضوع چنین قراردادهایی نداشته باشد، ۶- تملک سرمایه و سهام شرکت‌ها به صورتی که منجر به اخلال در رقابت شود.

۱. (Garyunderreconomic) به موجب فراز ۱ بند (ک) ماده ۴۵ قانون فوق، طفیلی‌گری اقتصادی عبارت است از: کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از هر گونه اطلاعات داخلی رقبا در زمینه تجاری، مالی، فنی و نظایر آن به نفع خود یا اشخاص ثالث.



نمی‌کند بلکه در مرحله واکنش حاکمیت و جامعه، باعث چندگانگی در تعقیب و کیفر می‌شود. تعاریف مبتنی بر ماهیت و کمیت ضرروزیان وارده، بزه‌دیده، هدف و موضوع ارتکاب جرم و شخصیت و موقعیت اجتماعی مرتکب به این چندگانگی دامن می‌زند. بنابراین منفعت اجتماعی ایجاد می‌کند تا ضمن حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق مردم به فعالیت‌های اقتصادی و حفظ امنیت و ثبات اقتصادی، با اتخاذ سیاست‌های کیفری مناسب در خصوص جرم‌انگاری در حوزه اقتصاد در سطح خرد و کلان، رشد و بالندگی را به جامعه هدیه داده شود.

منابع

- احمد انور، سمیرنعم، (۲۰۰۰)، الفساد و الجرایم الاقتصادیه فی مصر، المصریه العربیه .
- حسینی، مینا، (۱۳۸۸)، «رعایت حقوق مصرف کنندگان در تبلیغات و بازاریابی تولیدات دارویی و بهداشتی»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ، ش ۱.
- دادخدایی، لیلا، (۱۳۹۱)، «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، مجله تعالی حقوق، ش ۶.
- زراعت، عباس، (۱۳۹۱)، حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل ، جاودانه.
- زمانی، علی اکبر، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، مجله کارگاه ، سال دوم، ش ۷.
- صادقی، طوبی، (۱۳۸۶)، «اصول حاکم بر حقوق رقابت تجاری»، دوفصلنامه آموزه‌های فقهی، الهیات و حقوق ش ۲۳.
- عشاوی، سعدالدین محمد، (۱۳۸۶)، مروی بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه: محمدرضا نصرالهی و سیدعیسی حسینی ، انتشارات کارآگاه.
- گسن، موریس، (۱۳۸۵)، اصول جرم‌شناسی، ترجمه: میرروح‌اله صدیق ، دادگستر.
- گسن، رمون، (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه: شهرام ابراهیمی، میزان.
- گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه: مهدی کی‌نیا، ناشر: مترجم.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب، (۱۳۹۰)، مبانی علم اقتصاد، نشر خجسته.
- معتمدی، هادی و فرزانه مستوفی‌فر، (۱۳۸۸)، قاجاق انسان، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- مهدوی‌پور، اعظم، (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۱)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان.
- نجفی‌ابرنندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۴)، تقریرات درس جرم‌شناسی، بزهکاری اقتصادی ، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.



- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۶)، **تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نورزاد، مجتبی، (۱۳۸۹)، **جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران**، انتشارات جنگل، جاودانه.
- نیک گهر، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، **فرهنگ علوم اقتصادی، بازرگانی و مالی**، انتشارات علمی، صفار.

- Campbell Black Henry, " **Black's Law Dictionary**", Editor in Chief: Bryan A . Garner, Mizanpub Eighth Edition , 1388 .
- Croal Hazel, " **Understanding White - Collar Crime**, " Philadelphia Open University Press, 2001
- Dressler Joshua Editor In Chief, " **Encyclopedia Of Crime And Justice** " ,V2, Macmillan Reference USA, Gale Group ,2002.
- Factsheet, " **International Monetary Fund**" [http //www.Imf.org/external /np/exr/facts/glob stab htm stran](http://www.Imf.org/external/np/exr/facts/glob_stab.htm) .
- Haroon Muhammad Khan Tareen, " **Economic Crime and Its Effects On The Economy**", National Institute Of Public Administration ,Lahore, 2007
- H. Edelherz " **The Nature Impact And Prosecution Of White – Collar Crime** "، Washington D.C ., 1970 .
- Jean – Luc Bacher, " **Dictionnaire De Sciences Criminale** "، Dalloz, 2004 .
- Jean – luc Becher , Nicolas Queloz " **La Criminalite Economique et sa Regulation** "، universite de Fribourg (Suisse) ,2007.
- JoseRico " **Notes introductives a letude de la Criminalite des affaires**"، universite dc montereal, 2012.
- Magnusson. D. Konkurs Och Ekonomisk Brottslighet " **En Litteratur Studie (Bankruptcy And Economic Crime. A Literature Study)** " Stockholm : Brottsforebygganderadet, 1979 .
- Manuel Lopez Ray, " **Crime an Analytical Appraisal**", Rutledge ,Reprinted 2001.
- Mergen .A . " **La Personalite du Criminel a ColBlanc**" ,Ricpt, 1970.
- Muthomi Thiankolu " **The Anti – Corruption And Economic Crimes Act** " , Has Kenya Discharged Her Obligations To Her Peoples And The World ?, LL.B.(Hons.) Nairobi . 2006.

- Republic of Armenia Criminal cod , available <http://legislation line . org .>
- ScheinostMiroslarAKol,“ **Research Into Economic Crime** “ Praha : IKSP , 2003.
- Shapiro .S ,” **Collaring The Crime , Not The Criminal : Reconsidering The Concept Of White - Collar Crime** ” . American Sociological Review,Vol .55 ,1990 .
- Sjogren . Hans & Goran. Skogh ,” **New Perspectives on Economic Crime** ” , Edward Elgar Publishing Limited , U.K.2004 .
- Sjoquist D.”**Property Crime And Economic Behavior : Some Empirical Results**”, American Economic Review , 53 , 1973.
- Sutherland E.” **White - Collar Crime** ” . New York: The Dryden Press , 1970.
- Theophilus O.AkinboEsq,“**Understanding Economic And Financial Crimes** “,EFCC/NYSC Integrity Club ,2009.
- Vizon Lapitan Wilfredo , Hiroshi Narikawa ,Torsak Buranaruangroj And Cowookers,“**Economic Crime Against Consumers And Investors** “, Group 3.Available At :www.Unafei.Or,2000.
- Wilfrid Jeandidier ,” **Droit Penal Des Affaires** ” , Dalloz , 4 ed , 2000 .